

دانشگاه تربیت معلم تهران
دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی

پایان نامه جهت دریافت درجه
دکتری فلسفه تعلیم و تربیت

**نقد و بررسی مبانی، دیدگاه‌ها و روش‌های
آموزش فلسفه به کودکان**

۱۳۸۲ / ۱۵ / ۵

مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران
تهیه مدارک

استاد راهنما

دکتر میرعبدالحسین نقیب زاده

استادان مشاور

دکتر صمد موحد دکتر خسرو باقری

یحیی قائدی

۱۳۸۲

۶۷۲۹۷

۶۷۳۹۷

موضوع:

نقد و بررسی مبانی، دیدگاه‌ها و روش‌های

آموزش فلسفه به کودکان

برگه ارزیابی
دانشگاه تربیت معلم تهران
دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی

این پایان نامه تحت عنوان:

"نقد و بررسی مبانی، دیدگاه‌ها و روش‌های آموزشی فلسفه به کودکان"
در دوره دکتری فلسفه آموزش و پرورش که توسط - یحیی قائدی تهیه شده است،
در جلسه مورخه ۱۳۸۲/۲/۳۰ و با حضور هیئت داوران پس از دفاع با درجه عالی و
نمره ۱۹ مورد قبول قرار گرفت.

استاد راهنما:

دکتر میرعبدالحسین نقیب زاده.

اساتید مشاور:

دکتر صمد موحد

دکتر خسرو باقری

اساتید داور:

دکتر محمد عطاران

دکتر محمد حسن پروند

دکتر محمد حسن آموزگار

دکتر محمودی

مدیر گروه و نماینده شورای تحصیلات تکمیلی

دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی

آغاز و انجام به قلم دکتر نقیب زاده

فلسفیدن آنگاه پدید می‌آید که ما از سطح بگذریم و به ژرفا روکنیم. کودک را چنین توانی نیست. از این رو در این معنی سخن گفتن از فلسفه برای کودکان نادقیق و نادرست می‌نماید. ولی از سوی دیگر به شگفت آمدن و به حالت پرسندگی رسیدن و شوق به فهمیدن که در زندگانی کودکان نیز نمودهای بسیار دارد، جلوه‌ای است از فلسفیدن و گام نهادن در راهی که حتی فیلسوفان بزرگ نیز در سراسر زندگی خود از پویندگان آنند.

بدین سان "فلسفه برای کودکان" نه آموختن نظام‌های فلسفی است به کودکان و نه واداشتن آنان است به پرسیدن پرسش‌هایی که بیرون از توان طبیعی‌شان باشد بلکه برانگیختن توجه آنان و یا هدایت پرسش‌های آنان است به سوی جنبه‌هایی از اندیشیدن که فلسفه انجام و فرجام آن است: جنبه‌هایی مانند دیدن و دریافتن پیوند منطقی گزاره‌ها و جستجوی بنیادهای منطقی آنها و نیز روکردن به اندیشه‌ها و حتی خیالپردازی‌هایی که از سطح قضاوت اثرکتیو تجربی و دریافت محدود منطقی فراتر می‌روند.

تقدیم به:

سقراط، بامید بازگشت به معنای واقعی فلسفه،

همسرم که در آغاز فلسفیدن است،

و

فرزندانم،

مهران و ماهان که فلاسفه طبیعی‌اند.

سپاسگزاری

از استاد ارجمندم جناب آقای دکتر نقیب‌زاده که شوق فلسفیدن را در من پدید آورد، جناب آقای دکتر باقری به خاطر صراحت، دقت و صمیمیتشان، جناب آقای دکتر موحد به خاطر حمایت عاطفی بسیار سپاسگزارم.

از اساتید ارجمند جناب آقای دکتر عطاران، دکتر پروند و دکتر آموزگار، به خاطر پذیرش داوری این رساله بسیار تشکر می‌کنم.

از همسرم سرکارخانم دیبا به خاطر همه حمایت‌ها و محبت‌هایش و نیز به خاطر خوشحالی‌اش بسیار سپاسگزارم.

از همه همکاران و دوستانم که در جلسه دفاع حضور یافتند. بویژه جناب آقای دکتر سلیمانی و آقایان معنوی پور، محمدی، پیرخائفی، گشتی زاده، مکوند حسینی، نوروز زاده و اسلامی تشکر می‌کنم.

چکیده

هدف از انجام تحقیق حاضر، نقد و بررسی مبانی، روش‌ها و دیدگاه‌های آموزش فلسفه به کودکان است. برای رسیدن به این هدف، سوالات اساسی تحقیق از دو منظر نگریسته شده است. اول از بعد معرفت‌شناختی و دوم از بعد اصول برنامه‌ریزی درسی. در حوزه معرفت‌شناسی، امکان آموزش فلسفه به کودکان مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. در همین زمینه، امکان آموزش فلسفه به کودکان از چهار جنبه بررسی شده است:

(۱) با توجه به مفهوم فلسفه (۲) در مقایسه با بزرگسالان
(۳) از دیدگاه فلسفه تحلیلی (۴) از دیدگاه روان‌شناسی شناختی پیازه
در حوزه برنامه درسی، رویکردها و سبک‌های تفکر، الگوهای سازماندهی برنامه درسی اصول سازماندهی برنامه درسی، روش، محتوا، نقش معلم و شاگرد مورد بررسی قرار گرفته است.

نتایج بررسی‌های انجام شده در مورد سوالات پنجگانه تحقیق به طور مفصل در پایان هر بخش آمده است که در اینجا به طور خلاصه بدان اشاره می‌شود:
(۱) در صورتی که به مفهوم واقعی فلسفه که همانا فلسفیدن است روکنیم، کودکان می‌توانند فلسفه بیاموزند.

(۲) کودکان در مقایسه با بزرگسالان، توانایی آموختن فلسفه را دارند و چه بسا از مزیت‌هایی نیز برخوردارند. چه برای فلسفیدن به پرسیدن و تعجب کردن نیاز است که هر دو را کودکان به طور طبیعی دارند و بزرگسالان آنها را از دست داده‌اند، و اگر بزرگسالان بخواهند فلسفیدن کنند باید دوباره کودک شوند.

۳) از دیدگاه فلسفه تحلیلی کودکان می‌توانند فلسفه پیام‌آموزند البته نه در معنای مدنظر جنبش فلسفه برای کودکان بلکه در معنی محدود مدنظر فلاسفه تحلیلی.

۴) از دیدگاه حامیان روان‌شناسی پیاژه، کودکان تا قبل از سن ۱۲ سالگی نمی‌توانند فلسفه پیام‌آموزند. این ادعا به طور جدی هم از سوی روان‌شناسان و از هم از سوی حامیان فلسفه برای کودکان مورد تردید قرار گرفته است. نتایج تحقیقات انجام شده در زمینه برنامه‌های آموزش فلسفه به کودکان نشان می‌دهد که کودکان دوره ابتدایی و راهنمایی می‌توانند فلسفه پیام‌آموزند.

۵) برنامه درسی آموزش فلسفه به کودکان. برخی از ویژگی‌های یک برنامه درسی را مدنظر قرار داده است. در این برنامه نقش معلم و شاگرد تعریف شده است، محتوای آموزشی تنظیم شده، وجود دارد، راهنماهایی برای آموزش معلمان تدوین شده است، به تربیت معلمان اهمیت زیادی داده‌ایم شود و از نمونه‌های استاندارد شده‌ای برای سنجش پیشرفت دانش‌آموزان مورد استفاده قرار می‌گیرد. اشکال این برنامه درسی آن است که نیازهای جامعه و دانش‌آموزان و معلمان از دیدگاه خودشان در تدوین محتوا مورد توجه قرار نمی‌گیرد.

برای گسترش چنین برنامه‌ای در ایران پیشنهادهایی برای تحقیق و بررسی نظری بیشتر ارائه شده است. در فصل دوم پژوهش حاضر ریشه‌های تاریخی این جنبش مورد بررسی قرار گرفته است و در فصل سوم اقدام به معرفی الگوی برنامه درسی فلسفه برای کودکان شده است.

فهرست مطالب

ب	برگه ارزیابی
پ	موضوع
ت	آغاز و انجام به قلم دکتر نقیب‌زاده
ث	تقدیم
ج	سپاسگزاری
چ	چکیده تحقیق
خ	فهرست مطالب

فصل اول: برنامه‌ریزی تحقیق

۲	مقدمه
۹	بیان مسئله
۱۳	اهمیت تحقیق
۱۹	پیش‌فرض‌ها و سوالات تحقیق
۱۹	هدف‌های تحقیق
۲۰	تعاریف واژه‌ها و اصطلاحات

فصل دوم: بررسی ریشه‌های تاریخی و مرور تحقیقات انجام شده

۲۵	ریشه‌های تاریخی
۲۷	سقراط
۳۲	افلاطون

۳۸ دکارت
۴۰ ژان ژاک روسو
۴۴ کانت
۴۶ هگل
۴۹ سورن کی برگگارد
۵۱ پیرس
۵۳ جان دیویی
۵۸ نلسون
۶۰ ماتیولیمین
۶۴ جمع بندی
۶۹ تحقیقات تجربی

فصل سوم: معرفی برنامه درسی فلسفه برای کودکان

۸۱ هدف‌های آموزش فلسفه برای کودکان
۸۲ بهبود توانایی استدلال
۸۳ پرورش خلاقیت
۸۴ رشد فردی و میان فردی
۸۵ پرورش درک اخلاقی
۸۶ پرورش توانایی مفهوم‌یابی در تجربه
۸۷ برنامه درسی فلسفه برای کودکان
۹۲ توصیف برنامه درسی
۹۸ ساختار و زمینه منطقی و عقلانی فلسفه برای کودکان

۱۰۳	محتوای آموزش، نقش معلم و شاگرد
۱۰۶	اجتماع پژوهشی
۱۱۰	ریشه‌های تاریخی اجتماع پژوهشی
۱۱۲	فرایند اقدام در یک اجتماع پژوهشی
۱۱۵	مراحل اجتماع پژوهش

فصل چهارم: نقد و بررسی چارچوب نظری و برنامه درسی آموزش فلسفه به کودکان

۱۱۸	بخش ۱: با توجه به چه مفهومی از فلسفه کودکان می‌توانند فلسفه بیاموزند؟
۱۳۷	بخش ۲: در مقایسه با بزرگسالان، آیا کودکان می‌توانند فلسفه بیاموزند؟
۱۶۷	بخش ۳: بر اساس دیدگاه فلاسفه تحلیلی آیا کودکان می‌توانند فلسفه بیاموزند؟
۱۹۱	بخش ۴: با توجه به دیدگاه پیاژه آیا کودکان می‌توانند فلسفه بیاموزند؟
۲۲۷	بخش ۵: نقد و بررسی برنامه درسی آموزش فلسفه به کودکان

فصل پنجم: باهم‌نگری و بحث

۲۷۱	مفهوم فلسفه
۲۷۴	جایگاه کودک
۲۷۷	برنامه درسی

۲۸۲	پیشنهادات
-----	-------	-----------

۲۸۴	فهرست منابع
-----	-------	-------------

فصل اول

برنامه ریزی تحقیق

مقدمه

از دیرباز تا کنون پاسخ‌های مختلفی به این سؤال که فلسفه چیست؟ داده شده است. با یک بررسی اجمالی این پاسخ‌ها را می‌توان در دو طبقه قرار داد. دسته‌ای فلسفه را مجموعه‌ای از آراء و عقاید فیلسوفان درباره موضوعات فلسفی می‌دانند. حاصل این نگرش پدید آمدن رشته فلسفه در دانشگاه‌ها و مطالعه تاریخ اندیشه فیلسوفان است.

دسته دوم فلسفه را عبارت از عمل فلسفی می‌دانند و به عبارت دیگر فیلسوف را کسی نمی‌دانند که پر از اندیشه‌های فلسفی دیگر فیلسوفان باشد، بلکه فیلسوف را کسی می‌دانند که فلسفی اندیشه کند. در صورتی که بخواهیم این دو دسته را مورد نقد قرار دهیم، باید به چه معیاری مراجعه کنیم؟ برای این کار باید به معنای حقیقی فلسفه رو کنیم. آغازگر حقیقی فلسفه سقراط بود و سقراط به عنوان فیلسوف اول، گرچه نه دعوی دانایی کرد و نه نظریه‌ای آورد، اما در پی سنجش بنیادی و خردمندانه آراء و عقاید بود.

کار سقراط همانا برانگیختن توجه فرد به شناختن خود و بیدار کردن طبیعت خود اوست (نقیب زاده ۱۳۷۷، ۳۸). سقراط برای شاگردانش نه میز و صندلی می‌چید نه بالای منبر می‌رفت و نه ساعت‌ها سخنرانی می‌کرد او در تمام اوقات زندگی اش یک فیلسوف بود، چه در حال بذله‌گویی، چه در حال صرف نوشیدنی، چه در خدمت سربازی و چه هنگامی که در زندان جام زهر را سر می‌کشید. سقراط اولین کسی بود که نشان داد، تمام زندگی انسان، همه لحظات و مقاطع آن و تمام کارهایی که در طول آن انجام می‌شود فرصتی برای انجام فلسفه است. آشکارا

می‌توان گفت: که فلسفه برای سقراط یک فعالیت بود. از دیدگاه او فیلسوف کسی است که فلسفی شده باشد، یعنی فلسفی اندیشه کند. (اسمیت ۱۳۷۷، ۳۰-۲۹). این سخن کانت که کار فلسفه آموختن اندیشه است و نه آموختن اندیشه‌ها، بیانی است از همان معنایی که برای نخستین بار سقراط به کشف آن رسید و به کارش بست (نقیب زاده ۱۳۷۴، ۷). پس فلسفه فعالیت و عمل است و عمل فلسفی برابر با اندیشه کردن است، فلسفه با ذات اندیشیدن سروکار دارد. البته اندیشیدن یک فعالیت مبهم و بی‌معنا نیست. "تحلیل، انتقاد، ترکیب، بررسی ارزش‌ها، سیر عقلانی، تفسیر و بسط نظریات علمی (شریعتمداری، ۱۳۶۹، ۵۴)" همه گونه‌ای اندیشیدن هستند، گرچه با آن برابر نیستند. چه فایده‌ای بر بحث فوق مترتب است؟ اگر فلسفه را عبارت از نظر اول بدانیم، فلسفه مخصوص بزرگسالان و آن هم توانمندترین آنان خواهد بود. بر اساس دیدگاه اول فلسفه پر از موضوعات پیچیده است که درک آن به جز برای خواص امکان‌پذیر نیست. در حالت اول فلسفه ارتباط کمی با مسایل زندگی دارد و به جز در حوزه مدرسه، دانشگاه و کلاس درس به زندگی راه نمی‌یابد.

در حالت دوم، فلسفه مخصوص عده‌ای خاص نیست، فعالیتی همگانی است و همه، چه کسانی که در رشته فلسفه تحصیل می‌کنند و چه کسانی که چیزی از رشته فلسفه نمی‌دانند، می‌توانند عمل فلسفی انجام دهند. حتی کسانی که فلسفه را انکار می‌کنند، نیز کاری فلسفی می‌کنند.

گرچه آغازگر فلسفه به معنای حقیقی - سقراط - فلسفه را مساوی فلسفیدن می‌دانست، اما مدت طولانی فلسفه از معنای حقیقی خود دور افتاد، بویژه پس از

افول تمدن یونانی و در سراسر قرون وسطی، فلسفه عبارت از مطالعه و آموختن - چه بسابدون اندیشه کردن - آراء و عقاید فلاسفه بود. در دوران نو نیز به جزکانت و معدودی از فلاسفه، فلسفه را در معنای حقیقی خود در نیافتند، و آنان نیز که آن را در معنای حقیقی خود بکار بردند، موفق به همگانی ساختن آن نشدند.

در سال‌های اخیر، بازگشت قابل توجهی به این طرز فکر که فلسفه یک فعالیت به شمار می‌آید، صورت گرفته است (اسمیت، ۱۳۷۷، ۳۰). البته بعضی از فلاسفه تحلیلی - گر چه فلسفه را فعالیت می‌دانند، اما آنرا در معنای محدود خود بکار می‌برند. مثلاً ویتگن اشتاین می‌گوید: فلسفه یک نظریه نیست، بلکه یک فعالیت است، یک اثر فلسفی اساساً شامل روشن کردن و توضیح دادن است. (همان، ۳۰). اما با آنکه اندیشیدن کاری است که از طبیعت آدمی برمی‌خیزد و از اینرو برای آدمی امری طبیعی است، ولی درست اندیشیدن کاری است موقوف به هدایت، تمرین و تربیت (نقیب‌زاده، ۱۳۷۴، ۷). باز با توجه به دو دیدگاه مطرح شده درباره فلسفه، فلسفه را به دو گونه می‌توان آموزش داد. در دیدگاه اول، آموزش فلسفه عبارت است از انتقال اندیشه‌های فلسفی به یادگیرندگان. در این دیدگاه هم فلسفه در معنای حقیقی خود به کار نرفته است و هم آموزش سپردن دانستنی‌ها به دیگران فرض شده است. در دیدگاه دوم، آموزش فلسفه عبارت از یاد دادن چگونه اندیشیدن است. از آنجا که فلسفه روکردن به فهم و شناسایی ذات و حقیقت امور است، در یافتن هر اندیشه ژرف به نگاه ممکن است که اندیشه بازسازی و نوسازی شود. سخن گفتن از آموزش آنگاه که سروکار ما با اندیشه‌های ژرف و ژرفای اندیشه است، بی‌معنی است، مگر این که آموزش را بسی فراتر از سپردن دانستنی‌ها یا